

شکل‌یابی و توسعه شهر بوکان با اتکاء به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناسی

حسن کریمیان^۱؛ اسماعیل سلیمی^۲؛ جمیله صلح‌جو^۳

چکیده

بوکان یکی از مهمترین شهرهای کُردنشین جنوب استان آذربایجان غربی و سومین شهر پرجمعیت استان بعد از ارومیه و خوی است. برخی از وقایع مرتبط با بوکان و رجال مشهور آن در دوره قاجار در سفرنامه‌های سیاحان و پژوهشگرانی چون مینورسکی، دمورگان و دیگران منعکس شده است. مدارک تاریخی مؤید آن است که این شهر در دوره ناصرالدین شاه قاجار بر شالوده روستایی کوچک و کم‌جمعیت احداث گردیده است. در این زمان، شهر بوکان بسبب توجه خانواده عزیزخان مکرری رشد و گسترش قابل توجهی یافت. نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه و گسترش شهر بوکان چه بوده و دلایل انتخاب مکان فعلی بعنوان مرکز حاکمیت اداری منطقه در دوره قاجاریه کدامند؟ فرض بر آن است که موقعیت ویژه فضایی و ارتباطی روستای بوکان در میان استقرارگاه‌های منطقه، اصلیتین عامل انتخاب بوده است. با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌یی و میدانی در این پژوهش مشخص گردید که علاوه بر شرایط ویژه ارتباطی و جغرافیایی منطقه، شالوده این شهر به اهتمام فرمانروایان محلی و بویژه خاندان مکرری، در ایجاد واحدهای حکومتی، مذهبی و عام‌المنفعه نهاده شده و در دوره پهلوی اول با فضاهای دیگری پیرامون هسته اولیه قاجاری افزوده شده است.

کلید واژگان: بوکان؛ قاجاریه؛ حاکمان مکرری، آذربایجان غربی، مناطق کُردنشین

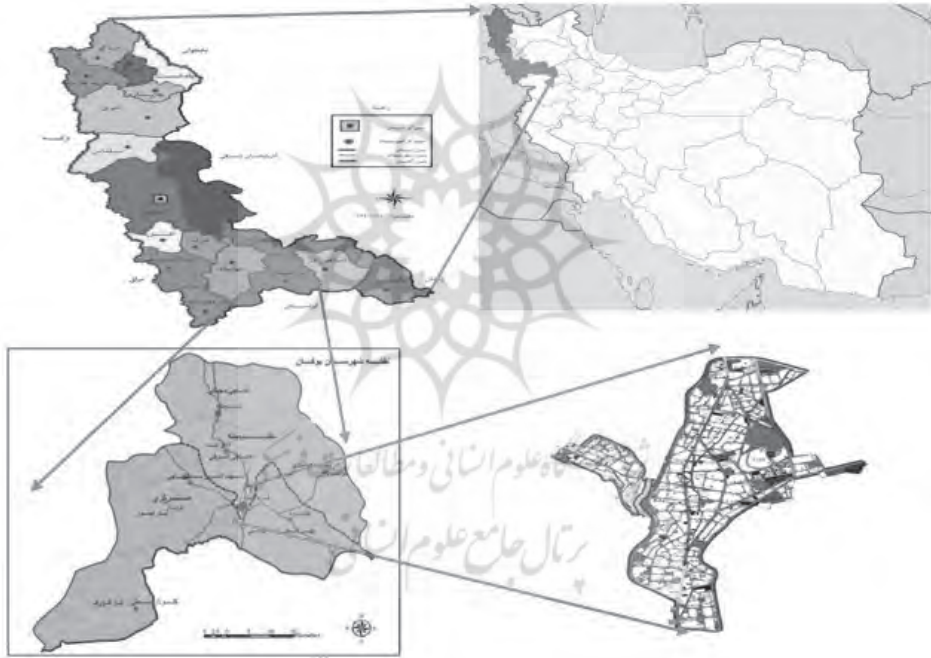
۱. عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ hkarimi@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ salimi.esmaeil@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان؛ j.solhjoo@yahoo.com

مقدمه

شهرستان بوکان دارای یک واحد جغرافیایی، شامل حوضه آبریز جنوبی دریاچه ارومیه است (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۸۹). شهر بوکان با موقعیت $36^{\circ} 31'$ عرض شمالی و $46^{\circ} 12'$ طول شرقی و ارتفاع ۱۳۷۰ متر بالاتر از سطح دریاهای آزاد در امتداد دشتی کم‌عرض قرار دارد که از شرق به کوه نالشکینه و از غرب به رودخانه سیمینه‌رود بعنوان بارزترین عارضه طبیعی و کوه‌های غربی آن از جمله برده زرد محدود است. به بیان دیگر، منطقه مورد مطالعه، از شمال به شهرستان میاندوآب، از غرب به شهرستان مهاباد، از طرف شرق به شهرستان شاهین‌دژ و از جنوب، به شهرستان سقز از استان کردستان، محدود است (نقشه ۱).



نقشه ۱) موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (منبع: نگارندگان)

از لحاظ آب و هوایی، این شهر در منطقه‌ی تقریباً کوهستانی و معتدل قرار گرفته است (حصاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸؛ ضیافتی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). پیشینه حضور انسان در شهرستان بوکان به دوره پارینه سنگی برمیگردد (نادری، ۱۳۸۵: ۵-۱۲). علاوه بر این، وجود برخی محوطه‌های پیش از تاریخ چون «قره گويز» با سفالهایی از نوع دالما (کرمی، ۱۳۸۵: ۵-۱۶) و محوطه «علی‌آباد» از دوره مفرغ (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۸) و سایت «قلایچی» بعنوان مهمترین محل

استقرار کشف شده ماناییها در هزاره اول ق.م (کارگر، ۱۳۸۳: ۲۲۹-۲۴۵) و همچنین وجود محوطه تاریخی مانایی و اشکانی قلعه بردینه (ملازاده، ۱۳۸۳: ۲۱۴-۲۱۵) همگی نشان از استمرار و روند یکجانشینی در منطقه یاد شده دارد. در دوره قاجار، روستای کوچکی که در محدوده بوکان امروزی قرار داشت، بتدریج رشد کرد و بنیان شهر کنونی بوکان را بنا نهاد. هدف پژوهش حاضر آن است تا با اتکاء به شواهد باستان‌شناسانه و مستندات تاریخی چگونگی شکلگیری و گسترش شهر بوکان و جایگاه سیاسی آن براساس بناهای بجا مانده در دوره قاجار مورد مطالعه قرار گیرد و پرسش اصلی پژوهش این است که دلیل انتخاب مکان فعلی بعنوان مرکز حاکمیت اداری منطقه در دوره قاجاریه چه بوده و مهمترین عوامل توسعه و گسترش شهر بوکان در این دوره کدامند؟ فرض بر آن است که موقعیت ویژه فضایی و ارتباطی روستای بوکان در میان استقرارگاههای منطقه، اصلیتین عامل در انتخاب این روستا بعنوان مرکز حاکمیتی منطقه بوده است. همچنین وجود زمینهای حاصلخیز، منابع آب کافی و بخصوص حوضخانه بزرگ (حوزه گه‌وره) و شرایط اقلیمی مناسب را میتوان از عوامل کلیدی در توسعه شهر بوکان در روزگار قاجار بحساب آورد.

پیشینه پژوهش

برغم مطالعات پراکنده باستان‌شناسانه در دشت بوکان، تاکنون هیچگونه مطالعه‌ی که روند شکل‌یابی و توسعه شهر بوکان را مشخص سازد به انجام نرسیده است. منابع تحقیقی درخصوص بوکان و بناهای آن منحصر به مکتوبات سیاحان نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی و همچنین محققان محلی است که عموماً به توصیف کلی منطقه و شهر بوکان پرداخته‌اند؛ از جمله میتوان به مکتوبات ابراهیم افخمی در کتاب *تاریخ فرهنگ و ادب مکریان* (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۷۶-۱۷۷-۱۹۵)، مندرجات رحمان محمدیان در جلد دوم با عنوان *بوکان در سده بیستم (تاریخ، سیاست، فرهنگ و ادب)* (محمدیان، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۹) و همچنین کتابچه *ایزرتو ۱: یادگارهای تاریخی بوکان* تألیف یوسف حسن‌زاده (حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ۸-۱۰) اشاره نمود. بعلاوه، امیر کدخدا محمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش تلاش نموده تا با اتکاء به سه بنای شاخص (حوضخانه بزرگ، مسجد جامع و قلعه سردار) طرحی اولیه از بوکان ارائه دهد (کدخدا محمدی، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۷-۷۸). از بارزترین مطالعات باستان‌شناسی در مورد بناهای بوکان میتوان به مقاله اسماعیل معروفی اقدم و کاظم آبام اشاره نمود که در آن سعی بر آن است تا به «بررسی باستان‌شناختی آثار معماری سرداران مکرری بوکان و راهکارهای مرمتی» پرداخته شود (معروفی اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۱-۱۴).

روش پژوهش

پژوهشی که نتایج آن در این نوشتار ارائه گردیده، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌یی و میدانی به انجام رسیده است. در مطالعات میدانی تلاش شده تا کلیه آثار و شواهد باستان‌شناسانه مستند و با بهره‌گیری از نتایج توزیع مکانی و زمانی آنها روند توسعه شهر مشخص گردد.

وجه تسمیه

در متون و منابع کتبی گوناگون، وجه تسمیه مختلفی برای شهر بوکان ارائه گردیده است. از جمله آنها رضاقلی خان هدایت، در فرهنگ *انجمن آرای ناصری* در مورد ریشه بوکان اینگونه بیان کرده است: «بوکان نام قصبه‌یی است در ولایت ساوجبلاغ مکرری که گویند آب و هوای نیکو دارد و در برهان، بمعنی گلزار نیز نوشته شده و اگر چنین باشد، با کاف عربی خواهد بود و بوکان یعنی آن بوی خوش» (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۸). در *لغت‌نامه دهخدا* چنین آمده است که «بوکان نعل آهنی باشد که به وقت رفتن بالای برف در پا کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۰۸۲). مینورسکی بنقل از رشیدالدین گفته است که پیک امرای مغولی «مرکیت»، بوکان^۱ نام داشته است. ناحیه بوکان در اصل شاید بهی / باهی^۲ نام داشته که امروزه فقط به یک دهستان بوکان اطلاق میشود (Minorsky, 1957:68). بنا بر روایتی، بوکان در ابتدا شاره‌کون (شهر کهنه) خوانده میشد که در جنوب غربی شهر فعلی واقع و در اثر زلزله ویران شده است (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۸) و همچنین بوکان با توجه به موقعیت تاریخی و مناظر طبیعی، به «عروس کردستان» معروف است؛ چنانکه این مناظر زیبا در ترانه‌ها و اشعار منطقه کردستان نیز بازتاب یافته است (ضیافتی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). همچنین گفته میشود که بوکان یک واژه کردی است که از جزء بوک بمعنی عروس و علامت جمع (ان) تشکیل شده است (سیستانی، ۱۳۸۱: ۹۷۹). بسیاری از محققین نیز معتقدند که وجه تسمیه اصلی این شهر، صورت ظاهری این جای نام، در زبان کردی است که بمعنی عروسهاست. اما این وجه تسمیه نمیتواند عاری از اشکال باشد، زیرا در مناطق دیگری از ایران مانند قزوین و شیراز، این جای نام دیده میشود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۰۸۲). بنظر میرسد بوکان یک کلمه مغولی باشد؛ زیرا خواجه رشیدالدین در کتاب *تاریخ رشیدی*، به اسامی امرا و حاکمان مغولی تحت عنوان «بوکان» اشاره کرده است (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۴: ۷۴-۷۵-۷۹-۲۴۷-۵۱۴-۵۱۷-۵۵۲-۵۵۴/۲). علاوه بر این، نامهای مغولی که بر نقاط جغرافیایی و طوایف منطقه اطلاق

1. Būkān

2. BEHī Bāhī

میشده و همچنان در گویش کُردی مُکری باقی‌مانده است، نشانهٔ چیرگی مغولان و حضور دراز مدت آنها بر این نواحی و از جمله بوکان می‌باشد (Minorsky, 1957:58).

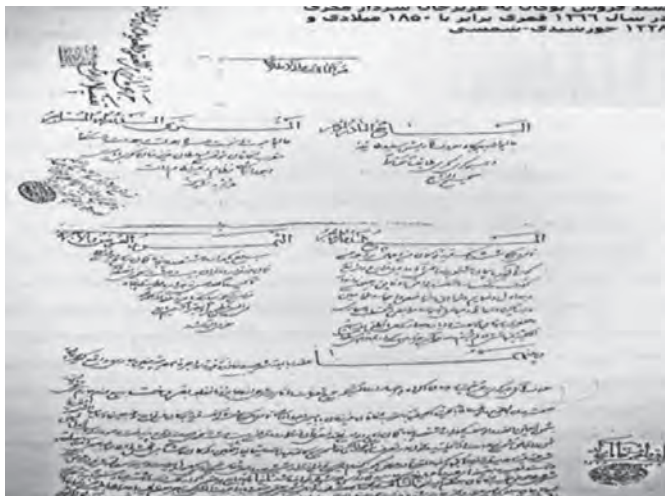
شکل‌گیری و گسترش شهر

۱. مستندات تاریخی

برای نخستین بار در منابع مکتوب عثمانیان در عصر صفویه به نام بوکان برخورد میکنیم؛ بدین صورت که؛ «در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی و در جریان لشکرکشی سلطان سلیمان قانونی به ایران و عزیمت آن از بغداد بسمت تبریز از کُردستان و بخشی از سرزمین مُکریان و از مناطقی مانند بانه، کون دِلن، بوکان، صاروجه‌فیش، لیلان، کاردول، بناب، مراغه عبور میکند» (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۴۷). در مجموع پیش از دورهٔ قاجاریه، چنان‌نامی از بوکان در منابع تاریخی و جغرافیایی دیده نمیشود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۳۳).

مطابق سندی که نزد خانوادهٔ ایلخانی‌زاده در بوکان نگهداری میشود (تصویر ۱) در سال ۱۲۲۸ هـ.ش عزیزخان مُکری، سردار کل قشون ایران در دورهٔ ناصرالدین‌شاه قاجار، شش‌دانگ روستای بوکان را از مارف آغا، به مبلغ ۱۸۵۰ تومان خریداری نمود و پس از آن بود که روستای بوکان، در کانون توجهات منطقه مُکریان قرار گرفت. در سند مذکور آمده است «... تمامی و همگی شش‌دانگ قریه بوکان من اعمال مراغه من آذربایجان، مشتمله بر اراضی آبی و دیمی و مزارع و مراتع و...» که نشان میدهد در این زمان روستای بوکان تابع مراغه بوده است.

۱. عزیزخان، فرزند محمد سلطان مکرری است که در سال ۱۲۰۷ هـ.ق در روستای نستان سردشت متولد شد و در سن ۲۲ سالگی به خدمت ارتش ایران درآمد و متجاوز از سی سال در اوایل سلطنت محمدشاه و اواسط سلطنت ناصرالدین شاه دارای مشاغل دولتی بود. عزیزخان در عملیات جنگی به مأموریت‌های مهم گمارده شده و تدریس رشته‌های نظامی در مدرسه دارالفنون را بر عهده داشت و در سال ۱۲۶۹ هـ.ق طی تشریفات خاصی به سرداری کل ایران نایل آمد و بعد از آن به استانداری مازندران و آذربایجان منصوب شد. وی در آخر عمرش از مناصب دولتی برکنار و به املاک خود (بوکان، سردشت و میان‌دوآب) سرکشی و در سن ۸۰ سالگی بدلیل کهولت و بیماری در روز بیستم شوال سال ۱۲۸۷ هـ.ق در تبریز دارفانی را وداع گفت (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۳۷).
۲. مطابق سند یاد شده مارف آغا ریش سفید طایفه دهبکری بوده است.



تصویر ۱) سند فروش بوکان به سردار عزیزخان مَکری (مأخذ: www.dana.ir)

بنا به گزارشهای موجود، روستای بوکان در زمان تملک سردار عزیزخان، «دوازده خانوار و حدود شصت نفر جمعیت» داشته (افخمی، ۱۳۶۴: ۶) و اهمیت آن بواسطه ارتباط با خاندان سردار عزیزخان مَکری بوده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۳۴) پس از عزیزخان، پسر و نوۀ او سیف‌الدین خان^۱ و محمدحسین خان^۲ مَکری با احداث بناهایی چون مسجد جامع و گسترش قلعه سردار، حوض بزرگ (حه‌وزه گه‌وره) و بازار دامنه قلعه سردار با دو کاروانسرا و نزدیک به سی باب مغازه، به توسعه و گسترش روستای بوکان، کمک شایانی کردند (تصویر ۲) (رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ۹۸؛ کریمی، ۱۳۲۹: ۲۰۲). امروزه بناهای مذکور، هسته مرکزی شهر بوکان را تشکیل میدهند. پس از درگذشت محمدحسین خان، علی خان^۳، والی بوکان شد که بخاطر بی‌تجربگی و بدهیهای

۱. سیف‌الدین خان پسر ارشد عزیزخان بعد از درگذشت پدر به حکومت ساوجبلاغ مَکری رسید و در حدود سال ۱۳۰۸ یا ۱۳۰۹ هـ.ق درگذشت (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۷۵).

۲. محمدحسین خان مَکری، فرزند سیف‌الدین خان مَکری در ۱۲۹۸ هـ.ق متولد شد. بعد از مرگ پدر به حکومت ساوجبلاغ مَکری و سردشت منصوب شد و لقب «سردار» را گرفت و در سال ۱۳۳۳ هـ.ق در زمان جنگ روسها و عثمانیها او را به اتهام همکاری با قشون روس، دستگیر کردند و ایشان را به طرف مراغه که مقر فرماندهی عثمانیها بود منتقل و در تاریخ ۲۳ صفر ۱۳۳۳ هـ.ق در میدان عمومی مراغه اعدام شد و بستگان وی او را به بوکان برگرداندند و در قبرستان شهر دفن کردند (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۹۹-۲۱۳).

۳. علی خان سردار، فرزند محمدحسین خان سردار، از آخرین سرداران بوکان بود. وی در دانشکده افسری روسیه، به تحصیل فنون نظامی میپرداخت، با شنیدن خبر فوت پدر، به ایران بازگشت و زمام امور حکومتی را در دست گرفت و به حکومت ساوجبلاغ و توابع آن نائل گردید. بدلیل بدهی فراوان، مجبور به فروختن بوکان به منصورالدوله تاجر تبریزی شد و به روستای سردار آباد نقل مکان کرد. در ماه رجب ۱۳۱۱ هـ.ش بر اثر بیماری ناعلاج در تبریز فوت

فراوان وی، روستای بوکان به دو تاجر تبریزی فروخته شد و در زمان تملک این تاجران، بوکان به بخش تبدیل گشت (محمدیان، ۱۳۸۹: ۲۳). سیف‌الدین خان و محمدحسین خان، از حاکمان کُردستان مَکری در ساوجبلاغ (مه‌باد فعلی) بودند و آنها بعدها بدلیل شرایط آب و هوایی مناسب و طبیعت زیبا، اقدام به گسترش قلعه، تأسیس مسجد جامع و مقبره خانوادگی با الگو گرفتن از بناهای ساوجبلاغ در بوکان کردند.



- ۱) قلعه سردار
- ۲) مسجد جامع
- ۳) حوض بزرگ
- ۴) بازار قدیمی

تصویر ۲) بناهای مؤثر در گسترش شهر بوکان (منبع: رش، ۱۳۹۶: ۵)

علاوه بر سند مورد اشاره، در منابع دیگر، از جمله برخی سفرنامه‌ها نیز به نام بوکان اشاره شده است. مقارن با نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، تعدادی از پژوهشگران و سیاحان معروف از جمله مینورسکی روسی، ژاک دمورگان فرانسوی و حاج سیاح، از این روستا دیدن کرده و مطالبی در مورد حکام، معماری بناها و چشمه یا سراب آن معروف به «حه‌وزه گه‌وره» (حوض بزرگ) نوشتند. در سال ۱۹۱۱م. مینورسکی توسط سردار محمدحسین خان به بوکان دعوت شد و جزئیات این سفر را در کتاب خود با عنوان کُرد شرح داد (مینورسکی، ۱۳۷۹: ۶۴). بگفته مینورسکی در این زمان، بوکان یک قصبه و مرکز اداری یک «بخش» و محل سکونت نسل به نسل حاکمان مَکری بوده است (Minorsky, 1957:68؛ مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۳). پس از آن در زمان سیف‌الدین خان پسر عزیزخان، دمورگان (دمورگان، ۱۳۳۹: ۳۳، ۴۳) و حاج

سیاح (حاج سیاح، ۱۳۴۶: ۲۵۴) نیز از بوکان دیدن کرده‌اند و هر کدام مطالبی در مورد بوکان نوشته‌اند که برای مطالعه آن در دوره قاجاریه بسیار حائز اهمیت است.

۲. شواهد باستان‌شناسی

قدیمیترین بخش بافت شهر بوکان در دوره قاجار قلعه‌یی است که تصویر آن توسط علیخان والی (حاکم ساوجبلاغ)، تهیه گردید و هم اکنون در آلبوم عکسهای این والی نگهداری میشود (شکل ۳)، (آلبوم عکسهای علیخان والی).



تصویر ۳) نمایی از روستای بوکان و قلعه آن، در زمان علیخان والی (www.harvard.edu)

آنچنانکه در این تصویر معلوم است، ابنیه و ساختمانهای قصبه گلی و تقریباً مخروبه بوده‌اند تا اینکه در سال ۱۳۲۲ هـ.ش. شروع به تجدید ساختمانهای به طرز مرتب و نوین گردید (رزم آرا، ۱۳۳۰: ۹۸). متأسفانه در اواخر سال ۱۳۸۴ هـ.ش و اوایل ۱۳۸۵ هـ.ش شهرداری اقدام به احداث خیابانی تحت عنوان «قلعه سردار» (قه‌لای سردار) از وسط بافت قدیمی نمود که آسیبهای جدی به آن وارد کرد (ضیافتی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). امروزه تعدادی بنای قدیمی مهم در داخل بافت قدیمی شهر مانند؛ مسجد جامع، قلعه سردار، مقبره سرداران مکرری و حوض بزرگ برجای مانده که همگی مربوط به دوره قاجاریه‌اند (تصویر ۲) که در ادامه بتفصیل به معرفی این بناها پرداخته شده است:

۱-۲. مسجد سردار (جامع)

مسجد سردار یا به اصطلاح محلی «مزگوتی جامع»، یکی از مهمترین بناهای شهر بوکان در دوره قاجاریه است که در حال حاضر نیز نماز جمعه در آن برگزار میشود و با شماره ثبتی ۳۴۸۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. این بنا در مرکز شهرستان بوکان، در کنار خیابان

انقلاب کنونی و در جوار ارگ حکومتی و حوضخانه بزرگ با مختصات جغرافیایی "۱۲۰۱۰.۳۱' ۳۶° عرض شمالی و "۲۹۰۰۶.۱۲' ۴۶° طول شرقی در ارتفاع ۱۳۵۲ متر از سطح دریا قرار گرفته است. بطور کلی ساخت مسجد جامع بوکان، در چهار مرحله و در سه دوره توسعه و تکامل یافته است. بدین ترتیب که ساخت آن در مرحله اول و در زمان حکومت قاجاریه در سال ۱۳۱۰ ه.ق. با چیره دستی استاد علی اصفهانی و در زمان فرمانروایی سردار سیف‌الدین خان مکرری، فرزند ارشد عزیزخان بر سرزمین کردستان مکرری شروع شد و در زمان محمدحسین خان، در سال ۱۳۲۱ ه.ق. به اتمام رسید (عقلمند ۱۳۸۵: ۲۳۸؛ افخمی، ۱۳۶۴: ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۱۵؛ حسن زاده ۱۳۸۵: ۹). در عصر قاجاریه بنای مسجد به طول ۲۵ متر و عرض ۲۰ متر، با مصالحی مانند چوب، سنگ آهک در پی با ارتفاع تقریبی ۱/۶۰ سانتیمتر و آجرهای مستطیل شکل به ابعاد ۲۰ × ۲۰ و ضخامت ۵ سانتیمتر با پلان مستطیل شکل و شبستانی با طاقهای کلمبوا بر روی نه ستون سنگی، بنا گردید (جدول ۱). ستونهای یادشده ارتفاعی در حدود ۱/۴۷ سانتیمتر و ۱/۶۰ سانتیمتر قطر دارند. فاصله هر کدام از این ستونها، ۴/۸۰ سانتیمتر است. علاوه بر این، ستونها بصورت منشورهای هشت ضلعی هستند و در بالا به چهارضلعی ختم میشوند (جدول ۱). فاصله میان این ستونها را همانند مسجد سرخ مهاباد، با تیرکهای چوب، به هم متصل کرده‌اند تا از رانش بنا جلوگیری شود. در جبهه غرب بنای مسجد سه پنجره رو به حوض بزرگ وجود دارد که در گذشته چشم‌انداز زیبایی به بنا داده بود. بعلاوه، فضای محراب نیز در ضلع جنوب که جهت قبله را نشان میدهد، قرار گرفته است. با توجه به عکسهای باقیمانده، در این مرحله و در ضلع شمال غربی مناره آجری قطور و کوتاه با تزئینات خفته راسته رنگی وجود داشته، که امروزه اثری از آن برجای نمانده است (جدول ۱). در مرحله دوم و در عصر پهلوی فضایی به ابعاد ۲۰ × ۱۵ متر در قسمت شمال، به هسته اولیه بنای مسجد اضافه شد. فضای یاد شده نیز همانند هسته اولیه، دارای نه ستون سنگی به همان صورت است، اما ارتفاع آنها نسبت به ستونهای هسته اولیه، بیشتر است؛ بدین ترتیب که ارتفاع هر کدام از آنها ۱/۸۷ سانتیمتر و ۱/۶۶ سانتیمتر قطر دارند (جدول ۱). در مرحله سوم یعنی در دوره جمهوری اسلامی، بمنظور وسعت دوباره بنای مسجد، فضایی به ابعاد ۳۰ × ۲۰ متر در ضلع شرقی ایجاد کردند (جدول ۱).

جدول ۱) عناصر معماری مسجد جامع بوکان (منبع: نگارندگان)

ردیف	نام بنا	عناصر معماری	تصویر بناهای مورد مقایسه	قدمت بنا	منبع
۱	مسجد جامع بوکان	پلان مسجد جامع بوکان		قاجاریه	(آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان غربی، ۱۳۹۶)
۲	مسجد جامع بوکان	ستونهای شبستان		قاجاریه	نگارندگان
۳	مسجد جامع بوکان	مناره		قاجاریه	آلبوم عکسهای محمود پدرام
۴	مسجد جامع بوکان	شبستان		قاجاریه	نگارندگان

وجود ستونهای چهارضلعی مکعبی شکل به ارتفاع $2/97$ سانتیمتر و عرض $1/05$ سانتیمتر در بین مرحله اول، دوم و مرحله سوم، نشانه درستی این ادعاست. فضای الحاقی این مرحله ۱۵ ستون را در برمیگیرد. این ستونها $2/18$ سانتیمتر ارتفاع و $1/73$ سانتیمتر قطر دارند و در حدود ۱۲ طاق بر روی آنها سوار شده است. آخرین مرحله توسعه بنای مسجد، به این اواخر برمیگردد. بدینصورت که در سال ۱۳۷۳ هـ.ش در ضلع شمالی غربی، فضایی بعنوان کفشکن و وضوخانه به آن افزوده شد. سقف مسجد در مجموع دارای ۵۳ طاق کلمبو، با ابعاد و اندازه متفاوت بر روی ۳۶ ستون با مقطع قطری هشت ضلعی و ۶ ستون مستطیلی قرار دارد. سقف فضاهای افزوده سال ۱۳۷۳ هـ.ش، از جمله کفشکن و شبستان زنانه مسطح است. در مجموع مسجد جامع بوکان، عاری از هرگونه تزئینات است

و متأسفانه کل بنای مسجد را با ماده سلولزی بلکا پوشانده‌اند که مطالعه آن را با مشکل جدی مواجه می‌کند و بنا، در داخل و خارج، در ساخت اکثر عناصر معماری دارای تناقضاتی است که دلیل آن هم به گسترش و توسعه آن در دهه‌های اخیر برمیگردد. بعلاوه، این بنا همراه با ارگ حکومتی، حوضخانه و بازار، نقش مهمی در شکل‌گیری روستای بوکان در دوره قاجاریه و رشد و توسعه آن در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی داشته است. این بنا از لحاظ فرم پلان، مناره آجری، ستونهای بکار رفته در داخل شبستان بسیار مشابه مسجد سرخ مهاباد است (جدول ۲).

جدول ۲) بررسی تطبیقی بناهای قاجاری منطقه بوکان (منبع: نگارندگان)

ردیف	نام و محل بنای مورد مطالعه	نام و محل بنای مورد مقایسه	عناصر معماری مورد مقایسه	تصویر بناهای مورد مقایسه	قدمت بنا	منبع
۱	مسجد جامع بوکان	مسجد سور مهاباد	پلان		صفوی	(آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان غربی، ۱۳۹۶)
۲	مسجد جامع بوکان	مسجد جامع سور مهاباد	شبستان		صفوی	نگارندگان
۳	مسجد جامع بوکان	مسجد جامع سور مهاباد	مناره		صفوی	همان
۴	مسجد جامع بوکان	مسجد جامع سور مهاباد	ستون		صفوی	همان

مسجد سردار یا جامع از بارزترین بناهای عصر قاجاری در بوکان است که با توجه به حضور والیان مُکری در ساوجبلاغ (کرزن، ۱۳۴۷: ۷۰۴) بیشترین تأثیر را، از بنای دوره صفویه مسجد سرخ مهاباد، گرفته است (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). بطور کلی شهرهای اسلامی، از نظر حقوقی در آغاز یک ویژگی داشته‌اند که وجه تمایز آنها از روستاها محسوب میشد و آن داشتن مسجد جامع و منبر بود؛ فرمولی که به کرات، توسط جغرافیدان اندلسی ابو عبید البکری (ف. ۴۸۷ هـ.ق) بکار گرفته شده است (مشکینی و رضایی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۷-۶۸). در نتیجه سیف‌الدین، با ایجاد این بنا، نقش مرکزیت به روستای بوکان در منطقه داد و در رشد و توسعه این روستا در دوره قاجار، تأثیری بسیاری داشت.

۲-۲. قلعه سردار

این قلعه در جوار خیابان انقلاب و در جنب مسجد جامع و حوض بزرگ با مختصات جغرافیایی ۳۱' ۳۶° عرض شمالی و ۱۲' ۴۶° طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ و در ارتفاع ۱۳۵۲ متری از سطح دریا واقع شده است. از نخستین منابعی که به این قلعه پرداخته میتوان به آلبوم عکسهای علیخان والی اشاره کرد که اکنون در دانشگاه هاروارد آمریکا محفوظ است. بطور کلی، چنانکه در تصویر علی‌خان، حاکم ساوجبلاغ در دوره ناصرالدین شاه قاجار، میتوان ملاحظه نمود قلعه سردار بر روی محوطه باستانی و صفت سنگی که در دوره قاجاریه ایجاد شده، بنا گردیده است (تصویر ۳) (آلبوم عکسهای علیخان والی). همچنین در جریان بررسیهای صورت گرفته نگارندگان بر روی قسمتهایی از این محوطه که جدیداً خاک‌برداری شده بود، سفالهایی با بازه زمانی قاجاریه، مفرغ و به ویژه عصر آهن III شناسایی گردید (تصویر ۴).



تصویر ۴) نمونه سفالهای محوطه‌یی باستانی قلعه سردار (منبع: نگارندگان)

حاج سیاح از سیاحان دوره قاجاریه، هم به تکیه و غرفه‌های عالی قلعه در زمان سیف‌الدین خان اشاره کرده است (حاج سیاح، ۱۳۴۶: ۲۵۴). مینورسکی در کتاب خود تحت عنوان کُرد، از دعوت وی توسط سردار محمد حسین به بوکان و از حوض بزرگ اقامتگاه آن صحبت میکند (مینورسکی ۱۳۷۹: ۶۴). علاوه بر مینورسکی و حاج سیاح، دمرگان هم از بوکان دیدن کرده است و هر چند به اهمیت بوکان و آبادان کردن روستای سردارآباد در زمان سیف‌الدین خان می‌پردازد، اما هیچگونه اطلاعی از بناهای دوره قاجاریه بوکان، در اختیار ما قرار نمیدهد و بیشتر به حوادث سیاسی منطقه اشاره میکند (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۳، ۳۳). تصاویر هوایی موجود از سال ۱۹۶۹ م. نیز قلعه سردار را با مساحت وسیع در کنار خیابان انقلاب کنونی نشان میدهد (تصویر ۵) (Corona.Cast.Uark.Edu).



تصویر ۵) موقعیت قلعه سردار در تصاویر هوایی ۱۹۶۹ م. در بافت بوکان (Corona.Cast.Uark.Edu)

بهمن کریمی نیز در دوره پهلوی هنگام دیدن این قلعه آن را نیمه‌ویران توصیف کرده و مینویسد که دبستان و پست امنیه در آن جای گرفته و از بالای آن دو فرسنگ چشم‌انداز داشته است (کریمی، ۱۳۲۹: ۲۰۲). بطور کلی قلعه سردار از بارزترین آثار معماری عصر قاجاریه شهرستان بوکان محسوب میشود. این بنا در سال ۱۳۴۷ ه.ش با عنوان «قلعه تپه» و با شماره ثبتی ۵۷۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. در مورد احداث این اثر، دو نظریه مطرح است؛ یکی اینکه، این بنا در دوره سردار عزیزخان ساخته شده (کدخدا محمدی، ۱۳۸۱: ۷۸) و دیگر اینکه توسط سیف‌الدین خان، پسر عزیزخان بنا شده است. بنظر میرسد با احداث این قلعه توسط عزیزخان هر کدام از اعضای خانواده وی مانند سیف‌الدین، محمد حسین خان و علیخان، الحاقاتی به آن افزوده و آن را مورد استفاده قرار داده‌اند.

بنای قلعه، با ارتفاع ۵۰ متر، با مساحت حدوداً یک هکتار با مصالح ساروج، خاک رس و آجرهایی

به ابعاد ۲۰×۲۰ و با ضخامت ۵ سانتیمتر و پوشش مسطح بر روی مصطبة سنگی که هنوز آثار آن قابل مشاهده است، ساخته شده (تصویر ۶).



تصویر ۶) نمای غربی قلعه سردار پیش از تخریب (منبع: افخمی، ۱۳۶۴: ۱۹۶)



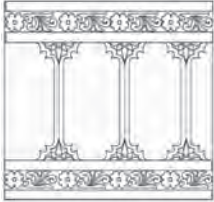


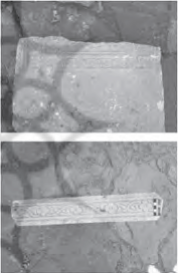
بنای قلعه، شش شاه‌نشین داشته که بر روی ۹ ستون سنگی به ارتفاع ۲ متر و قطر ۱ متر قرار گرفته‌اند و در مجموع قلعه، با مساحت ۱۰۸۳ مترمربع، از سه بخش که هر بخش از اتاقهای متعدد، ساباط (دالان)، حمام، فراشخانه و ... تشکیل شده بود (محمدیان، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵). در گوشه‌های جنوب شرقی و شمال غربی قلعه، برجهایی با مصالح آجر تا ارتفاع ۳-۴ متری ساخته شده بودند. در بالای برجهای مرتفع منشوری شکل، ۲ کنگره فلزی نصب و در قسمت فوقانی اتاق کوچکی جهت نگهداری بوده است که ورود به آنها از طبقه بالای قلعه، راهروها و ایوانها میسر بود (کدخدا محمدی، ۱۳۸۱: ۷۸) و در مجموع شکوه و عظمت خاصی را به بنا قلعه داده بود. در کل، معماری قلعه، بصورت اتاقهای متعدد و تودرتو بوده و سقف آن نیز با تیرکهای چوبی پوشانده شده بود. در حیاط قلعه، حوضی با فواره‌های آبی تعبیه شده بود که سیف‌الدین خان به کمک یک مهندس روسی، تلمبه‌یی طراحی کرد و آب یکی از جویهای سراب را ۵۰ متر پایینتر به داخل قلعه پمپاژ مینمود (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۷۷). این قلعه بعد از سردار علیخان، از طرف مالکان وقت به وزارت آموزش و پرورش هدیه شد (تابانی، ۱۳۴۵: ۵۴) و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۱ هـ.ش بعنوان شهربانی، پست، ژاندارمری و مدرسه مورد استفاده بود. لیکن بعد از انقلاب، تا حدودی تخریب و متأسفانه در حال حاضر به غیر از پی و قسمتی از مصطبة سنگی، چیز دیگری باقی نمانده است. محل قلعه سردار در دهه‌های اخیر، بدلیل بلندی و چشم‌انداز خوبی که نسبت به محیط اطراف دارد به پایگاه بسیج ثار الله تبدیل شده است. بعلاوه، فضای بین قلعه سردار و مسجد جامع پر از فضاهای مسکونی و از جمله بافت روستای بوکان بود که متأسفانه در دهه هشتاد شمسی، خیابانی از این

مسیر عبور داده شده و اکثر فضاهای یاد شده را از بین برده است. در ضلع غربی قلعه و در دامنه آن نیز بازار سرپوشیده واقع شده است.

۳-۲. آرامگاه سرداران مَکری

مقبره سرداران مَکری با مختصات جغرافیایی "۱۰۴۶. ۳۱' ۳۶° عرض شمالی و "۴۰۰۹۰. ۱۲' ۴۶° طول شرقی در ارتفاع ۱۳۵۲ متر از سطح دریا در مرکز شهر بوکان، جنب کتابخانه مستوره گردستانی و در ضلع جنوب غربی پارک ملت واقع شده است. این بنا با شماره ثبتی ۳۸۴۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مقبره سردار بنایی مستطیل شکل به ابعاد ۱۳×۱۵ متر با مساحت ۱۹۵ مترمربع و متشکل از سه قسمت حیاط، ایوان ستون‌دار، دهلیز یا راهرو، صحن و یا گنبدخانه است (جدول ۳).

منبع	طرح عناصر معماری	تصویر عناصر معماری	عنصر معماری	ردیف
آرامگاه سرداران مَکری				
آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان غربی و نگارندگان			پلان، نما	۱
نگارندگان			طاقهای ایوان ورودی در ضلع جنوبی	۲
نگارندگان			سردر ورودی در ضلع جنوبی بنا	۳
نگارندگان			فیله‌پوشهای زیر گنبد	۴

نگارندگان			ستونهای ایوان	۵
نگارندگان			سنگ قبر موجود در حیاط بنا	۶
نگارندگان			سنگ قبر موجود در حیاط با تاریخ احداث بنا (۱۳۳۳ هـ.ق)	۷

جدول ۳) عناصر معماری آرامگاه سرداران مَکری (منبع: نگارندگان)

حیاط مقبره به طول ۱۳/۳۰ سانتیمتر و عرض ۷/۹۰ سانتیمتر، در سمت جنوب و دارای ورودی در همان جهت است (ج ۳). کف حیاط مقبره با سنگهای نوع بازالت و ملاط سیمان، سنگ فرش شده است. فضای بین حیاط و ایوان ستون‌دار با سکویی به ارتفاع ۵۰ سانتیمتر از هم جدا میشود و ایوان یاد شده با دو ستون تمام سنگی و دو نیم‌ستون با ساقه آجری و سرستون و پایه ستون سنگی بشکل گلدان، جلوه و زیبایی خاصی به اثر بخشیده است. ستونهای سنگی از جنس سنگ آهک که در اصطلاح محلی «قسل» نامیده میشوند، بصورت هشت ضلعی بنا شده‌اند (جدول ۴).

ردیف	نام و محل بناهای مورد مطالعه	نام و محل بناهای مورد مقایسه	عنصر معماری مورد مقایسه	تصویر عناصر معماری	قدمت بناها	منبع
۱	آرامگاه سرداران مکرری	مقبره بداق سلطان مهاباد	پلان چلیپایی		صفویه	ملازاده و محمدی، ۱۳۷۸: ۲۵
۲	آرامگاه سرداران مکرری	مسجد جامع بوکان	ستونها		قاجاریه	نگارندگان
۳	آرامگاه سرداران مکرری	مسجد سور حمامیان	طاقهای ایوان یا رواق		همان	نگارندگان
۴	آرامگاه سرداران مکرری	آرامگاه ایلخانی زاده حمامیان	طاقها و تزئینات آجرکاری		همان	نگارندگان
۵	آرامگاه سرداران مکرری	مسجدسور مهاباد	ستونها		صفویه	آرشیو میراث فرهنگی
۶	آرامگاه سرداران مکرری	ساختمان سیدعلی مهاباد	تزئینات تفلیسی		قاجاریه	نگارندگان

جدول ۴) بررسی تطبیقی آرامگاه سرداران مکرری بوکان (منبع: نگارندگان)

بر فراز ستونهای سنگی، طاقهای هلالی، بنا شده و سقف ایوان با شیوه آجرکاری خفته راسته تزئین شده است. در وسط ایوان میتوان با پلکانی به پشت بام راه یافت و سقف فضای اصلی بصورت گنبد است (جدول ۴). بطور کلی میتوان از طریق سه ورودی از طرف غرب و مرکز و شرق (که امروزه از آن بعنوان درب اصلی استفاده میشود) وارد گنبدخانه شد. مصالح بکار رفته در این مقبره، در قسمت پی از لاشه سنگ آهکی به ارتفاع ۷۰ سانتیمتر بصورت تفلیسی^۱ همانند کاروانسرای سیدعلی مهاباد است (جدول ۴) و دیوارها و طاقها با آجرهایی به ابعاد 20×20 سانتیمتر و ضخامت ۵ سانتیمتر و ملاط ساروج و کف حیاط با موزاییکهایی از جنس گرانیت با ابعاد 15×30 سانتیمتر مزین شده است. فضای اصلی مقبره دارای یک گنبد بزرگ در مرکز و چهار گنبد کوچک در چهار جهت جغرافیایی در تناسب با پلان چلیپایی بنا و فیلیوشهای چهارگانه زیر گنبد است. در داخل بنا، چهار طاق در چهار جهت شمال، جنوب، غرب و شرق وجود دارد. این بنا بدستور حُسنی جهان خانم، همسر سیف‌الدین خان، ساخته شده است (گفتگوی شخصی با بستگان خانواده عزیز خان)^۲ و قبر ایشان نیز در مرکز صحن اصلی و در زیر گنبد قرار گرفته است. در کنار قبر حُسنی جهان خانم، فرزندش محمدحسین خان و نوه ایشان علیخان، آخرین والی کردستان مُکریان، کبری خانم و خدیجه خانم از دیگر افراد خانواده والیان مکرری هستند که در داخل مقبره دفن شده‌اند. به غیر از افراد یاد شده، والیان مُکری بوکان بدلیل دوستی و نزدیکی با پیشوایان دینی مسجد جامع و افراد متنفذ، اجازه دفن آنها را نیز در فضای اصلی مقبره داده‌اند؛ از جمله این افراد میتوان به مُلا محمدحسین ابن القزلی ملقب به وجدی^۳، سید محمدمحسن

۱. گذاشتن یک سنگ بصورت افقی و بعد گذاشتن آجر به شکل مورب و افقی در تمام جوانب لاشه‌سنگ را گویند (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

۲. تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۵/۱/۷.

۳. مُلاحسن ابن قزلی، فرزند مُلاعلی قزلی که زهد و تقوی را از پدرش به ارث برده و در فقه، اصول و ادبیات عربی استاد بوده و در ادبیات فارسی نیز سهم بسزایی داشته و بعد از پدر در مدرسه ترجان به تدریس پرداخته است. وی در زمان محمدحسین خان سردار، بدلیل سرآمد بودن در علوم و معارف اسلامی از ترجان به بوکان نقل مکان کرد و تا آخر عمر در بوکان اقامت گزید و در چهارم ربیع آخر سال ۱۳۲۷ هـ.ق در بوکان بدرود حیات گفت و در آرامگاه سرداران بوکان مدفون گردیده است (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۵۵-۲۵۹).

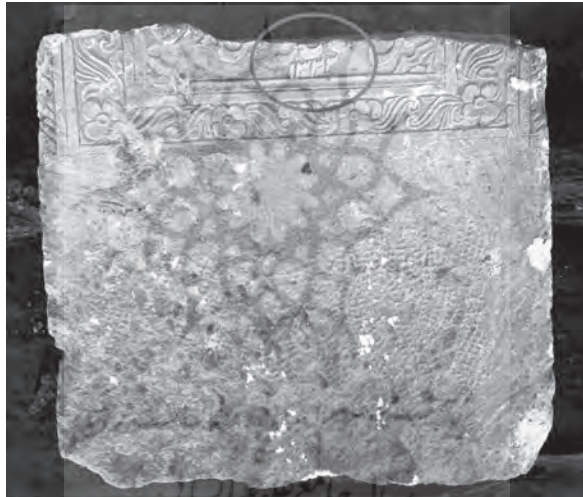
قاضی مُکری^۱، محمدصادق قاضی مُکری، سید محمدکاظم قاضی مُکری^۲، مُلا علی قزلیجی^۳، نزاکت قاسمی اشاره کرد. بطور کلی بنای مقبره سرداران مُکری دارای تزئینات شاخصی است و از مهمترین تزئینات آن میتوان به تزئینات آجرکاری خفته راسته در ایوان ستون‌دار و سردر ورودی، فیلیوشهای داخل گنبدخانه، حجاری ستونها و سنگهای آهکی ازاره داخل گنبدخانه و همچنین حجاری سنگ قبرها بصورت حاشیه‌های قالی اشاره کرد (جدول ۳). مقبره سرداران مُکری از لحاظ فرم پلان و تزئینات بکار رفته قابل مقایسه با بناهای کردستان مُکریان و بویژه بناهای بوکان و مهاباد است. پلان این بنا بصورت چلیپایی و قابل مقایسه با پلان مقبره بداق سلطان (عصر صفوی) مهاباد است. ستونهای سنگی آهکی آن بصورت هشت‌ضلعی همانند ستونهای مسجد جامع بوکان (۱۳۱۰هـ.ق) و سور مهاباد (۱۰۸۹هـ.ق) بنا شده‌اند و همچنین طاقهای هلالی آن مشابه مسجد سور (۱۳۲۸هـ.ق) و آرامگاه ایلخانی زاده (۱۳۰۶هـ.ق) حمامیان است. بعلاوه، تزئینات آجرکاری خفته راسته ایوان آن، قابل مقایسه با آرامگاه ایلخانی زاده و مصالح بکار رفته در دیوار پی مقبره، بصورت تفلیسی، مشابه ساختمان سید علی (قاجاری) مهاباد است (جدول ۴). متأسفانه این بنا تاکنون، بصورت علمی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. اولین شخصی که به مقبره سرداران مُکری اشاره کرده، رثوف ضیایی است که «از به خاک سپردن محمد حسین خان، حاکم وقت ساوجبلاغ مُکری، در آرامگاه خانوادگی بوکان در سال ۱۳۳۳ هـ.ق هنگام واقعه جنگ جهانی اول، صحبت میکند» (ضیایی، ۱۳۶۳: ۴۲، ۴۳). کتاب تاریخ فرهنگ و ادب مُکریان به آوردن عکسی از مقبره اکتفاء کرده است (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۹۵). کتاب مقابر آذربایجان (معروفی اقدم، ۱۳۹۲: ۱۸۵، ۱۸۲) و مقاله «بررسی باستان‌شناختی آثار معماری سرداران مُکری بوکان و راهکارهای مرمتی» (معروفی اقدم و آجام: ۱۳۹۴: ۵) به این بنا پرداخته و فقط به توصیفات مختصری در مورد آن بسنده کرده است. این بنا فاقد کتیبه است، اما با توجه به اطلاعات موجود در کتب و با توجه به سبک معماری مقبره و مقایسه آن با دیگر بناهای موجود

۱. قاضی مُکری، فرزند سید محمد و نوه دختری ملاعلی قزلیجی است که تحصیلات خود را نزد پدر آغاز نمود و در خدمت مُلا محمدحسن قزلیجی ادامه تحصیل داد و با اخذ مدرک به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۳ هـ.ق دارفانی را وداع گفت و در آرامگاه سرداران مُکری دفن شده است (افخمی، ۱۳۶۴: ۳۵۶-۳۵۸).

۲. این شخص در حال حاضر در قید حیات است و این قبر را هنگام مرگ، برای خود در نظر گرفته است.

۳. مُلا علی قزلیجی فرزند مُلاحسن قزلیجی، از جمله عالمان دینی و مدتی امام‌جمعه مسجد بوکان بوده که از آثار وی میتوان بذات الشفاء و ارمان و جدی اشاره نمود. وی در سال ۱۳۲۴ یا ۱۳۲۳ هـ.ق مدفون شدند و در آرامگاه سرداران مُکری دفن گردید (همان: ۲۵۵-۲۵۶).

در منطقه و همچنین با توجه به زندگینامه محمدحسین خان، حاکم وقت ساوجبلاغ مکرری (صمدی)، ۱۳۷۳: ۸۱-۸۰) و به خاک سپردن او در سال ۱۳۳۳ ه.ق در مقبره خانوادگی بوکان (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۱۴) براساس گفته رثوف ضیایی و آنچه که نگارندگان در حیاط مقبره موفق به شناسایی سنگ قبری با تزئینات منحصر به فرد و داشتن تاریخ ۱۳۳۳ ه.ق شدند، در تعلق این بنا به دوره قاجاریه جای هیچ شک و شبهه‌یی باقی نمیگذارد (جدول ۳ و تصویر ۷) در یک جمع‌بندی میتوان گفت، که در نگاه نخست احداث این بنا در بوکان، نشأت از آرامگاه بوداق سلطان در مهاباد دارد. بطور کلی حاکمان اواخر مکرریان با اداره کردن مهاباد، در اواخر دوره قاجاریه و مشاهده آرامگاه بوداق سلطان در آن، اقدام به ساخت بنای آرامگاه خانوادگی همانند آن، در داخل قبرستانی در بوکان به نام دروازه قبران میکنند.



تصویر ۷) سنگ قبر موجود در حیاط مقبره سرداران مکرری (منبع: نگارندگان)

۲-۴. حه وزه گه وره

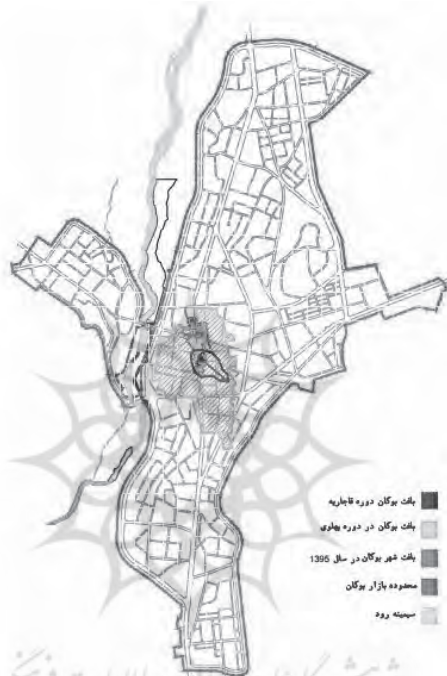
حوض بزرگ یا به اصلاح محلی «حه‌وزه گه‌وره» در مرکز شهر، در جوار مسجد و قلعه سردار با مختصات جغرافیایی $36^{\circ}31'$ عرض شمالی $12'$ و 46° طول شرقی و در ارتفاع 1352 متر از سطح دریا واقع گردیده است. این حوض به طول 30 متر و عرض 25 متر و عمق سه متری ساخته شده است و منبع اصلی آب آن، از چشمه‌های جوشان کوه ناله‌شکینه (نعل شکین)، با ارتفاع 1760 متر، تأمین میشده است و دارای سه چشمه جوشان بوده که آب را به مناطق شرقی و غربی شهر میرساند و همچنین آب قلعه سردار را تأمین میکرد (افخمی، ۱۳۶۴: ۱۸۴). از آن علاوه بر

تأمین آب بوکان، برای آبیاری مزارع و باغات حومه بوکان نیز استفاده میکردند (همان: ۱۷۶-۱۷۷). در دوره پهلوی اطراف حوض را با نرده‌های آهنی محصور کردند و در دوره انقلاب اسلامی کل فضای حوض را پوشاندند (جدول ۱). این سرداب در شکل‌گیری روستای بوکان به روزگار قاجاریه و محوطه باستانی آن از گذشته‌های دور بخاطر تأمین آب شرب و کشاورزی نقش کلیدی داشته است. علاوه بر این، جذابترین عنصر شهری در بوکان بوده که توجه سیاحان و جهانگردان را به خود جلب کرده است (حاج سیاح، ۱۳۴۶: ۲۵۴؛ مینورسکی ۱۳۷۹: ۶۴). هر چند این سرداب بگونه‌ی معرف بوکان در منطقه مَکریان است، اما متأسفانه دخل و تصرفاتی در داخل و اطراف آن انجام شده و به ثبت جاذبه‌های طبیعی نرسیده است.

نتیجه‌گیری

آنگونه که گفته شد، هسته اولیه شهر بوکان قلعه‌ی بود که بر فراز تپه‌ی باستانی در دشت کم‌عرض با چشمه‌های متعدد آب و از جمله حوضخانه بزرگ شکل گرفت. بی‌تردید، شرایط مساعد طبیعی و اقلیمی (خاک حاصلخیز، آب کافی، هوای مناسب، شیب مطلوب برای ایجاد بافت شهری و واقع شدن در منطقه‌ی بدون زلزله) و همچنین بهره‌مندی از موقعیت ارتباطی ایده‌ال در بین کُردستان مَکریان و اردلان و مناطق آذربایجان را میتوان از عوامل مهم در پیدایش و توسعه بوکان در دوره قاجاریه بشمار آورد. احداث مسجد جامع در جانب جنوبی قلعه حکومتی میتوانست این محله را به کانونی در جهت توسعه شهری تبدیل سازد. با استناد به متون تاریخی و همچنین بقایای معماری موجود بنظر میرسد که شهر کنونی بوکان در نتیجه رشد و گسترش این محله - که در عهد قاجار روستایی کوچک بود - شکل گرفته است. مطابق یک سند قدیمی، این روستا در دوره ناصرالدین شاه توسط عزیزخان مَکری ملقب به «سردار» خریداری شد و از آن پس بخشی از دارایی خانوادگی وی محسوب گردید. در زمان دو والی جانشین عزیزخان، یعنی سیف‌الدین خان و محمدحسین خان مَکری، در اواخر عصر قاجاریه ساخت و سازهای مهمی پیرامون چشمه بزرگ روستا معروف به «حه‌وزه گه‌وره» شکل گرفت که بخشهایی از آن هنوز باقی مانده است. مهمترین این سازه‌ها، مسجد جامع، قلعه سردار و تأسیسات پیرامون حوض بزرگ بوده‌اند. عنصر اخیر (حوض بزرگ) در کنار توجه خاندان عزیزخان، نقش مهمی در رونق و گسترش بوکان و شکلگیری شهر کنونی بوکان داشته است. به روزگار قاجار، با تمرکز فضاهای زیستی در جانب شرق و غرب قلعه و مسجد جامع و حوضخانه، شهر به این جهت گسترش یافت و در دوره پهلوی

اول با الگو قرار دادن فضاهای مذکور بصورت هسته‌یی به دور منطقه مرکزی رشد پیدا کرد. اما در دهه‌های اخیر با افزایش جمعیت، مهاجرت از روستاهای اطراف و بدلیل کم‌عرض بودن دشت، شهر بوکان در امتداد رودخانه‌یی سیمینه‌رود و جاده ترانزیتی بوکان - میان‌دو آب گسترش و توسعه یافت (نقشه ۲).



نقشه ۲) توسعه شهر بوکان از اواسط دوره قاجاریه تاکنون (منبع: نگارندگان)

منابع فارسی

- افخمی، ابراهیم؛ تاریخ فرهنگ و ادب مکریان (بوکان)، سقز: انتشارات محمدی، ۱۳۶۴.
- پیرنیا، محمدکریم؛ آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمانهای درون شهری و بیرون شهری)، تهران: انتشارات علم و صنعت، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- تابانی، حبیب‌الله؛ بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی کردستان در نمونه کردستان مکری، تهران: انتشارات وثوق، ۱۳۴۵.
- حسن‌زاده، یوسف؛ ایزرتور ۱ (یادگارهای تاریخی بوکان)، بوکان: انتشارات انجمن دوستداران یادگارهای تاریخی ایزرتور، ۱۳۸۵.

- حصاری، بهزاد؛ زینال‌زاده، کامران؛ احمی‌زاده، شهین؛ احمد‌آلی، جمال؛ «پتانسیلها و تهدیدات منابع آب در شهرستان بوکان و اثر آن بر توسعه پایدار منطقه»، فصلنامه پژوهش‌های زاگرس، سال دوم، شماره چهارم و پنجم، ۱۳۹۴.
- دمورگان، ژاک؛ مطالعات جغرافیایی، ترجمه کاظم ودیع، تبریز: انتشارات شفق تبریز، جلد دوم، ۱۳۳۹.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ فرهنگ لغت دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رزم‌آرا، علی؛ فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)، استان ۳ و ۴ آذربایجان، تهران: انتشارات دایرة جغرافیایی ستاد ارتش، جلد چهارم، ۱۳۳۰.
- روحانی، بابا مردوخ؛ «تاریخ مشاهیر کرد (امرا و خاندانها)» بکوشش محمدماجد مردوخ روحانی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- رش، خالق؛ «بررسی راهکارهای پیوند فرهنگی، اجتماعی شهر قدیم با شهرگسترش یافت شهر جدید نمونه موردی شهرستان بوکان»، اولین همایش علمی پژوهشی اقله‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران: انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، ۱۳۹۴.
- سیاح، حاج محمدعلی؛ خاطرات یا دوران خوف و وحشت، تهران: بکوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- سیستانی، ایرج افشار؛ نگاهی به آذربایجان غربی. تهران: انتشارات ثامن‌الائمه (ع)، ۱۳۸۱.
- سلیمی، اسماعیل؛ «روند شکلیایی و توسعه شهر مهاباد با اتکاء بر داده‌های باستان‌شناسانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- صمدی، سید محمد؛ تاریخ مهاباد، مهاباد: انتشارات رهرو، ۱۳۷۳.
- ضیایی، شیخ رئوف؛ یادشتهایی از کردستان، سقز: بکوشش عمر فاروقی، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۶۳.
- ضیافتی، کاوه؛ «تحلیلی بر روند گسترش بوکان و اثرات فضایی بر پیرامون شهر»، پژوهش‌های زاگرس، شماره چهارم و پنجم، ۱۳۹۳.
- عقلمند، پرویز؛ مشاهیر علمی و فرهنگی آذربایجان غربی، تهران: انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۵.
- علیخان‌والی، مجموعه آلبوم عکسهای علیخان‌والی از منطقه مکریان در سایت دانشگاه هاروارد.
- فرجی، نادر؛ حسن‌زاده، یوسف؛ «گزارش مقدماتی کاوش لایه‌نگاری محوطه پیش از تاریخ

علی‌آباد»، گزارشهای سیزدهمین گردهمایی سالانی باستان‌شناسی ایران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۳.

- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین، جامع التواریخ، تهران، بکوشش بهمن کریمی، نشر اقبال، جلد دوم، ۱۳۷۴.

- کدخدا محمدی، امیر؛ «طراحی قدیم مرکز شهر بوکان با تأکید بر سه شاخص (حوضخانه بزرگ، مسجد جامع و قلعه سردار)» پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، قزوین: دانشگاه امام‌خیمین قزوین، ۱۳۸۱.

- کریمی، بهمن؛ راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب ایران، تهران: انتشارات پازینه، ۱۳۲۹.
- کارگر، بهمن؛ «قلایچی: زیرتو مرکز دوره مانا دوره ۱»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، حوزه شمال غرب، تهران، بکوشش مسعود آذرنوش، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۳.

- کرزن، جرج. ن؛ ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۷.
- ملازاده، کاظم؛ «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا»، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

- مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ؛ کرد، ترجمه حبیب‌اله تابانی، تهران: انتشارات گستره، ۱۳۷۹.

- معروفی‌اقدام، اسماعیل؛ آقام، کاظم؛ «بررسی باستان‌شناختی آثار معماری سرداران مکرری بوکان و راهکارهای مرمتی جهت حفظ، احیاء و بازسازی آنها»، بوکان، همایش عزیز خان، ۱۳۹۴.

- _____؛ مقابر آذربایجان از صدر اسلام تا دوره قاجاریه، تهران: نشر سمیرا، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی‌مقدم، علی؛ «بررسی مؤلفه‌ها و شاخصهای شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی»، مجله شهر پایدار، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۳.

- موسوی بجنوردی، محمدکاظم؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: نشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد سیزدهم، ۱۳۸۳.

- مطراقچی، نصح؛ بیان منازل، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۹.

- نادری، رحمت؛ «گزارش کشف شواهد احتمالی پارینه سنگی قدیم بر روی تراسهای رودخانه سیمینه رود»، پیام باستان‌شناسی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۸۵.
- هدایت، رضا قلیخان؛ تاریخ روضه‌الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.
- منابع کُردی
- مینورسکی، فلاذیمر؛ بنچینه‌کانی کورد و چوند و تاریکی کوردناسی، سلیمانیه، وه‌رگیرانی نه‌جاتی عه‌بدوللا، بلاوکراوه‌ی مه‌کتبی بیر و هوشیاری، ۲۰۰۷.
- محمدیان، رحمان؛ بوکان له‌سه‌ده‌ی بیسته‌م دا کوی ۸۱ به‌لگه‌نامه، تهران: نشر کوله‌پشتی، ۱۳۸۹.

منابع انگلیسی

- Minorsky, V., "Mongol Place-Names in Mukri Kurdistan (Mongolica, 4)", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 19, No. 1: 58-81, 1957
- Corona.cast.uark.edu.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی